

افت تحصیلی

مقدمه:

افت تحصیلی یکی از مشکلات عمده نظامهای آموزشی در دنیای کنونی است، و هر سال مقادیر معتناهی از امکانات مالی و نیروهای انسانی، آموزشی و پرورشی به این معضل اختصاص می‌یابد. از آنجا که افت تحصیلی با نظام آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد، بررسی آن مستلزم دقت نظر و ارزیابی دقیق عوامل عدیده‌ای است.

بسیاری از افراد افت تحصیلی را به معنای ناتوانی دانش‌آموز در یادگیری مواد درسی می‌دانند. بدون شک این تصویری نادرست است. ناتوانی کودک در فراگیری دروس ممکن است از تواناییهای ذهنی محدود و ضعیف ناشی شود، در حالی که افت تحصیلی به معنای نزول از یک سطح بالاتر به سطحی پایین‌تر در تحصیل و آموزش است.

به منظور تمایز بین این قبیل ناتوانیها و افت تحصیلی، ارائه تعریفی از افت تحصیلی لازم و ضروری است. افت تحصیلی به "کاهش عملکرد تحصیلی دانش‌آموز از سطحی رضایت بخش به سطحی نامطلوب گفته می‌شود." توجه به تعریف فوق نشان می‌دهد که مقایسه و سنجش سطح عملکرد تحصیلی قبلی و فعلی دانش‌آموز بهترین شاخص از افت تحصیلی است. فرض کنید که دانش‌آموزی در مدرسه دروس خود را بخوبی فرا می‌گیرد و حتی در بعضی از درسها بسیار موفق و ممتاز است؛ اما پس از مدتی سطح نمرات او نزول



۱ - تراکم برنامه‌های درسی: گاهی اوقات دانش‌آموزان هفته‌ای ۴۰ ساعت در مدرسه تحصیل می‌کنند و در خانه نیز با انبوهی از تکالیف درسی روبرو می‌شوند. بدیهی است که در چنین شرایطی دانش‌آموزان فرصت کمتری برای پرداختن به سایر نیازهای شخصی خویش دارند. اگر این وضع برای مدتی ادامه یابد، فشار حاصل از تکالیف زاید و اضافی باعث بی‌زاری دانش‌آموزان از مدرسه و تحصیل می‌گردد و در نتیجه منجر به افت تحصیلی آنان می‌شود. تجربه نشان داده است که تکالیف زیاد لزوماً سطح تحصیلی دانش‌آموز را بالا نمی‌برد، بلکه برعکس معمولاً نتیجه‌ای معکوس به دنبال دارد.

۲ - عدم برنامه ریزی تحصیلی مناسب: بعضی از دروس با سطح رشد و سن کودک هماهنگی ندارد. این عامل ممکن است باعث شود کودک نتواند ارتباط منطقی بین مواد درسی و استفاده از این آموخته‌ها را پیدا کند و بعضاً آنها را بی‌فایده می‌پندارد.

۳ - عدم وجود معلمان کافی و شایسته: تسلط معلم بر درس، روش تدریس وی و ارتباط او با شاگردان از عوامل مهم پیشرفت یا افت تحصیلی دانش‌آموزان است.

۴ - عدم انطباق هدف و محتوای آموزشی با علایق دانش‌آموزان: قصور نظام آموزشی در ایجاد هدفها و برنامه‌هایی که با نیازهای رشدی و تکامل فرد و علایق و انگیزه‌های او متناسب و هماهنگ باشد، بر جریان تعلیم و تربیت تأثیر نامناسب گذاشته، باعث افت تحصیلی می‌گردد.

از جمله علل و عوامل آموزشی مؤثر دیگر در افت تحصیلی می‌توان به نامناسب بودن

می‌کند. در اینجا برای معلم و اولیا این سؤال پیش می‌آید که علت این افت تحصیلی چیست و چه علت یا عللی موجب شده تا عملکرد تحصیلی دانش‌آموز تنزل یابد؟

مشاهده این گونه افت و خیزها در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، ما را به بررسی علل آن فرا می‌خواند. از آنجا که نظام آموزش و پرورش یکی از سازمانها و نهادهای پرهزینه کشور است و نیز به دلیل ارزش حیاتی آن در تأمین و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص جامعه و بطور کلی اعتلای فرهنگی و اقتصادی کشور، بررسی دلایل افت تحصیلی و روشهای مقابله با آن، می‌تواند از به هدر رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی مردم و مسئولان پیشگیری کند و به کارایی هرچه بیشتر افراد جامعه بینجامد.

علل افت تحصیلی

همان‌گونه که اشاره شد، افت تحصیلی با نظام آموزشی، فرهنگ، اجتماع، خانواده و خصوصیات فردی اشخاص یا به عبارت دیگر با ویژگیهای دانش‌آموزان ارتباط بسیار نزدیک دارد. در اینجا به چند علت اصلی افت تحصیلی اشاره می‌شود. لازم به تذکر است که این علل معمولاً بطور مستقل و مجزا از یکدیگر باعث به وجود آمدن افت تحصیلی در دانش‌آموزان نمی‌شود، بلکه ارتباط و تعامل آنها شبکه پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد که بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان اثر مخرب می‌گذارد. طبعاً مقابله با افت تحصیلی نیز در گرو اقدامات همه جانبه و همزمان در این زمینه‌هاست.

الف) علل آموزشی:

در این مورد به چند علت فرعی اشاره می‌کنیم:

بازده هوشی هر فرد تا حد زیادی متأثر از زمینه‌های ارثی است و نمی‌توان آن را تغییر داد، بنابراین در مواردی ممکن است تواناییهای هوشی دانش‌آموزان از میزان معین و ثابتی برخوردار باشد. تا فرا رسیدن زمانی که دانش‌آموز به این حد نهایی برسد، وضعیت تحصیلی او خوب خواهد بود، اما پس از آن ممکن است محصل نتواند در دروس خود همچون گذشته موفقیت چشمگیری داشته باشد و دچار افت تحصیلی می‌شود.

۲ - رابطه معلم و دانش‌آموز: از جمله مهمترین عوامل مؤثر در افت یا پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، رابطه بین معلم و دانش‌آموز است. معلم می‌تواند با دقت و تیزبینی خود، استعدادهاى نهفته دانش‌آموز را ظاهر ساخته، شکوفا کند. از سوی دیگر، بعضی از معلمان در مواردی با برخوردهای غلط و نادرست می‌توانند موجب بی‌زاری دانش‌آموز از درس و مدرسه شوند و به این ترتیب او را به سوی افت تحصیلی سوق دهند.

۳ - میل و انگیزه: گاه دیده می‌شود کودکی مدارج ابتدایی را با موفقیت کامل طی می‌کند، اما همین که پا به سنین بالاتر می‌گذارد، دچار افت تحصیلی می‌شود و دیگر میلی به یادگیری بیشتر و رقابت تحصیلی نشان نمی‌دهد. محیط کودک نقش بسیار مهمی در پیدایی انگیزه تحصیل در کودک دارد، لذا اغلب دقت در محیط این کودکان وجود اشکال در نظام ارزشی خانواده را آشکار می‌سازد. به این صورت که پدر و مادر ظاهراً کودکان خود را به درس خواندن تشویق می‌کنند، اما عملاً هیچ فعالیتی در جهت ایجاد گرایش جدی در فرزند خود نمی‌کنند. این خانواده‌ها به طور ناخودآگاه به

روشهای آموزشی، ارزیابیهای نادرست از عملکرد دانش‌آموزان، کمبود فضاهای آموزشی، حفظ طوطی‌وار مطالب جزئی و کم‌اهمیت و عدم ارتباط بین مطالب درسی و تجارب واقعی زندگی اشاره کرد.

ب) علل فردی:

در بعضی موارد دانش‌آموزانی که بطور عادی به تحصیل اشتغال داشته، عملکرد خوبی نیز دارند، به علل فردی دچار افت تحصیلی می‌شوند. در هر مرحله از رشد، اعمال و رفتارهایی از کودک سر می‌زند که خاص همان مرحله است. اوج این تحولات را می‌توان در آغاز دوره بحرانی نوجوانی دید. با شروع دوره نوجوانی، کودک دیروز تغییر رفتار می‌دهد و انتظارات و سلوک او دگرگون می‌شود. متأسفانه بالاترین موارد ترک تحصیل در دوره نوجوانی به چشم می‌خورد.

علل فردی در واقع به مواردی از این تغییرات اشاره دارد، که می‌تواند به دو دسته "روانی" و "فیزیولوژیکی" تقسیم شود. از جمله علل فردی که در افت تحصیلی مؤثر است می‌توان به هوش، رابطه معلم و دانش‌آموز، میل و انگیزه دانش‌آموز و آشفتگیها و مشکلات عاطفی و هیجانی او اشاره کرد.

۱ - هوش: هر فرد دارای توان ذهنی خاصی است که هوش نامیده می‌شود. هوش دارای جنبه‌های عمومی و اختصاصی است. هوش عمومی به توانایی و ظرفیت کلی یادگیری، و هوش اختصاصی به زمینه‌های ویژه‌ای اطلاق می‌گردد که فرد پیشرفت و کارایی بهتری در آن زمینه‌ها دارد. مثلاً شخصی ممکن است از ادراک فضایی بهتری برخوردار باشد و دیگری قدرت حافظه بهتری داشته باشد. از آنجا که



شود. فشارهای روانی خاص هر مرحله از رشد می‌تواند باعث اشتغال خاطر، آسیب وارد آمدن به قوای هوشی، تحلیل انرژی ذهنی، عدم تمرکز حواس و تفکر زائد شده و در نهایت به نوبه خود موجب افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود.

۵- بلوغ: بلوغ از مهمترین مقاطع رشد است که تغییرات همه جانبه و گسترده‌ای در حیطه‌های روانی و جسمی به همراه دارد. توانایی سازگاری با این تغییرات ناگهانی و فراگیر نیازمند آمادگیها، آموزشها و حمایت‌های خاصی است که اگر امکان پذیر نشود، در نظام زندگی فرد ناهماهنگی به وجود آمده، چه بسا موجب بروز آسیبهای روانی و اجتماعی و گاه جسمی یا تشدید گرایش دانش‌آموز به سوی اهداف خاصی مثل برقراری روابط گروهی دوستانه، شرکت در میهمانیهای دسته جمعی و اقدامات هیجان انگیز می‌شود. این قبیل مسائل موجب اشتغال خاطر دانش‌آموزان نوجوان و در نتیجه صرف انرژی و تغییر انگیزه‌های آنان می‌شود. این امر می‌تواند باعث کاهش تمایل دانش‌آموزان به درس و مدرسه شده، افت تحصیلی را به دنبال بیاورد.

۶- نارساییهای جسمی: ناراحتی‌های جسمی خاص ممکن است در برنامه تحصیلی کودک مزاحمت ایجاد کند و در نهایت به افت تحصیلی کودک بینجامد. از شایعترین این بیماریها و ناراحتیها، اشکال در بینایی و شنوایی است. در مواردی دانش‌آموز دچار نارساییهایی در سیستم بینایی و شنوایی می‌شود که از آنها اطلاع ندارد و دیگران نیز معمولاً تا مدتها به آن پی نمی‌برند. نارسایی در شنوایی و بینایی براحتی می‌تواند به نقص در یادگیری و نهایتاً

مسائلی در روابط خانوادگی خود اهمیت می‌دهند که با درس خواندن و پرورش انگیزه قوی در پیشرفت تحصیلی منافات دارد. به عنوان مثال، کودک را تشویق به خواندن می‌کنند، اما هیچ‌گاه روابط خانواده حول محور ارزشهای علمی نمی‌چرخد، بلکه همواره بحث در مورد مسائل اقتصادی، میهمانیها و خوراک و پوشاک است. علاوه بر اینها کودک هیچ وقت الگویی عملی و رفتاری از علاقه والدین به خواندن و نوشتن مشاهده نکرده است (مثلاً هیچ‌گاه ندیده که والدین خود مشغول مطالعه باشند یا حتی تظاهر به آن بکنند).

۴- آشفتنگیهای عاطفی و هیجانی: مشکلات عاطفی و هیجانی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف رشد می‌تواند باعث افت تحصیلی آنان

افت تحصیلی منجر شود.

۷- فراموشی: از جمله عواملی که همواره دانش‌آموزان آن را دلیلی برای ضعف درسی خود می‌دانند، فراموشی است. فراموشی می‌تواند معلول عوامل متعددی از قبیل عدم انگیزه، هدفمند نبودن فرایند تحصیل برای فرد، عدم احساس نیاز به درس خواندن یا عدم تمرکز حواس باشد.

ج) مشکلات خانوادگی:

عوامل عدیده‌ای در ارتباط با - خانواده دانش‌آموزان می‌تواند موجب افت تحصیلی آنان بشود که اهم آنها به قرار زیر است:

۱- روابط و نظام ارزشی خانواده: شاید بتوان گفت مهمترین عامل مؤثر در شکل‌گیری نگرش دانش‌آموز نسبت به تحصیل، خانواده است. اینکه والدین با دانش‌آموز و درس و تحصیل او چگونه برخورد می‌کنند و در الگوهای تربیتی خود برای چه نوع رفتارهایی ارزش قائل می‌شوند، یکی از اجزای اساسی در شکل‌گیری نگرش دانش‌آموز نسبت به تحصیل است.

در بعضی خانواده‌ها رسم بر این است که والدین بطور کلامی به کودک توصیه می‌کنند که درس بخواند، اما هیچ‌گاه عملاً رفتار درس خواندن کودک را تقویت نکرده، برای آن ارزش عملی قائل نمی‌شوند. برای مثال، وقتی کودکی در حین درس خواندن است هیچ توجهی به او نمی‌شود، او را در اتفاقی تنها و در انزوا می‌گذارند تا درس بخواند و هیچ‌گاه فعالانه در امور تحصیلی او دخالت نمی‌کنند و از نزدیک با نحوه خواندن، نوشتن، علاقه وی به مطالعه، و ایجاد زمینه‌های انگیزشی مناسب مثل ربط دادن درس کودک با زندگی روزمره‌اش سروکار ندارند. برعکس، هرگاه کودک به

اموری می‌پردازد که اساساً الگویی است از رفتار خود والدین، پدر و مادر بطور ناخودآگاه و به دلیل مشابهت رفتار کودک در این زمینه‌ها با اعمال و رفتار خودشان معمولاً وی را تشویق کرده، به او توجه خاصی نشان می‌دهند؛ حتی اگر این نوع رفتارهای کودک به لحاظ موقعیت سنی، رشدی و اجتماعی در خور وی نباشد. به این ترتیب، کودک یاد می‌گیرد که به طریق خاصی رفتار کند تا از والدین خود محبت یا تشویق دریافت کند، و در نتیجه از درس خواندن بازمانده و دچار افت تحصیلی می‌شود.

۲- اشتغال کودکان: یکی از عوامل منفی خانوادگی که همواره منشاء انحراف توجه کودک از تحصیل می‌گردد، جابجایی وظایف والدینی و فرزنددی است. از جمله این جابجاییها که ارتباط قابل توجهی با افت تحصیلی دارد، اشتغال کودکان است. به این ترتیب که کودکان در سنی به کار و اشتغال می‌پردازند که معمولاً از آنها انتظار می‌رود در آن مقطع بیشتر به نقشهای مورد انتظار از جمله تحصیل بپردازند. عدم تأمین نیازهای مالی خانواده و نیاز به نیروی کار کودک از دلایل عمده اشتغال کودکان در سنین پایین است، که در این زمینه صرف وقت و نیروی بسیار در اشتغال، باعث افت تحصیلی آنان می‌شود.

اشتغال دانش‌آموزان باعث تقلیل انرژی جسمی و روانی آنان شده، آمادگی جسمی و ذهنی‌شان را برای یادگیری دروس کاهش می‌دهد. به این ترتیب کودکان ممکن است به دلیل عدم حضور فعال و مستمر در محیطهای آموزشی نتوانند به نحو مطلوبی به تحصیل خود ادامه دهند. مسأله اشتغال کودکان و نقش آن در افت تحصیلی، در خانواده‌های طبقه اجتماعی-

اقتصادی پایین و بویژه محیطهای روستایی از اهمیت خاصی برخوردار است.

فقدان والد (یا والدین): عدم وجود هر یک از والدین (یا هر دو والد) به دلایل مختلف می تواند تأثیر ژرف و ناگواری بر تحصیل کودکان داشته باشد. فقدان والد علاوه بر آثار منفی رفتاری و عاطفی بر کودکان، حتی در صورتی که محیط اصلاح شده باشد و کودکان تنها مجبور به انجام برخی وظایف والدینی باشند، ممکن است موجب افت تحصیلی گردد.

در صورتی که کودک در اثر فقدان والدین (به دلیل مرگ یا جدایی یا هر دلیل دیگری) ضربه روانی نیز دیده باشد، افسردگی، اضطراب، بی علاقه‌گی و آشفتگی‌های هیجانی به دنبال خواهد داشت که هر یک به نوبه خود می تواند عاملی برای افت تحصیلی دانش آموز باشد. این جنبه از تأثیر فقدان والدین یا والد بر افت تحصیلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۴ - بیسوادی والدین: برخی از دانش آموزان در امور تحصیلی خود نیازمند به ساعات آموزشی در خارج از اوقات رسمی کلاس و مدرسه هستند. این قبیل دانش آموزان کسانی هستند که به دلایل متعدد مدت آموزش کلاسیک مدرسه برای آنها کافی نبوده، لازم است پس از خروج از مدرسه، کمکهای آموزشی اضافی از منابع دیگر دریافت کنند. مهمترین منبع کمک آموزشی خارج از مدرسه مخصوصاً برای دانش آموزان دوره ابتدایی، والدین هستند. والدین باسواد علاوه بر نقش کمک رسانی در آموزش فرزندان خود، الگوی منسجمی از یک فرد باسواد نیز هستند. سواد والدین در تحصیل فرزندان نقش دوجانبه‌ای



دارد. از یک سو برای آنها جنبه کمک آموزشی دارد و از سوی دیگر انگیزه‌ای برای درس خواندن آنها می شود. و اما بیسوادی والدین نیز آسیب دوجانبه‌ای دارد: این قبیل والدین نه تنها نمی توانند از نظر آموزشی و تحصیلی کمکی به کودکان خویش نمایند، بلکه یک الگوی تقلیدی نامناسب برای فرزندان خود هستند.

۵ - غفلت والدین نسبت به نیازهای کودک: بی توجهی نسبت به نیازهای کودکان در زمره مخربترین عوامل مؤثر در پرورش کودک بطور اعم و در تحصیل کودک بطور اخص است. عدم بقیه در صفحه ۵۶